



The impact of labor investment inefficiency on tax avoidance

Amir Shams^{1*}, Ali Taghavi Moghaddam, Mina Jami, Mahmoud Nemati

¹Assistant Prof., Department of Accounting, Torbat-e-Jam Branch, Islamic Azad University, Torbat-e-Jam, Iran

²Assistant Prof., Department of Accounting, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

^{3,4}Management Department, Torbat-e Jam Branch, Islamic Azad University, Torbat-eJam, Iran

Abstract

Labor efficiency investment means employing the optimal number of manpower in the organization. In contrast, labor investment inefficiency, which represents an important item in the input of corporate production costs, is a consequence of weak investment, financing, and corporate operations, and can reflect higher agency costs, inadequate oversight, and poor transparency and information exchange. The main purpose of this study is to investigate the relationship between labor investment inefficiency and tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. To test the research hypotheses, multiple linear regression model based on panel data has been used. The results of study of 140 companies listed on the Tehran Stock Exchange (980 observations year-firm) during the period 2012 to 2018 indicate that the labor investment inefficiency has a significant negative effect on tax avoidance. In fact, tax avoidance has been lower in companies with higher labor inefficiency. These results indicate the importance of companies paying more attention to the efficiency of labor investment in line with the company's tax avoidance activities.

Keywords: Labor investment efficiency, Tax avoidance, Effective tax rate.

* Corresponding author: Amir Shams, Shams1122@gmail.com



تأثیر ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بر اجتناب مالیاتی

استادیار، گروه حسابداری، واحد تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران
استادیار، گروه حسابداری، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران
گروه مدیریت، واحد تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران
گروه مدیریت، واحد تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران

امیر شمس*
علی تقوی مقدم
مینا جامی
محمود نعمتی

چکیده

کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار به معنی به کار گیری تعداد بهینه‌ای از نیروی انسانی در سازمان است. در مقابل، ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار، که نمایانگر یک قلم با اهمیت در ورودی مخارج تولید شرکت است، از پیامدهای ضعف در سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و عملیات شرکت‌ها است و می‌تواند منعکس‌کننده هزینه‌های نمایندگی بالاتر، نظارت ناکافی و شفافیت و تبادل اطلاعات ضعیف باشد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط بین ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون خطی چندگانه براساس داده‌های تابلویی استفاده گردیده است. نتیجه بررسی ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۹۸۰ مشاهده سال-شرکت) طی بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ حاکی از آن است که ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار اثر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. در واقع، در شرکت‌هایی که ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار بیشتر بوده است، اجتناب مالیاتی کمتر بوده است. این نتایج مبین اهمیت توجه بیشتر شرکت‌ها به مقوله کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار در راستای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت است.

واژگان کلیدی: کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار، اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی.

۱. مقدمه

کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار به معنای به کارگیری تعداد بهینه‌ای از نیروی انسانی است (جونگ و همکاران، ۲۰۱۴). ناکارایی در سرمایه‌گذاری نیروی کار، که نشان‌دهنده یک قلم با اهمیت در ورودی هزینه‌های تولید شرکت است، از پیامدهای ضعف در سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و عملیات شرکت‌ها است (پیناک و لیلیس، ۲۰۰۷؛ جونگ و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع، ناکارآمدی نیروی کار، منعکس‌کننده هزینه‌های نمایندگی بالاتر، نظارت ناکافی و شفافیت و تبادل اطلاعات ضعیف است (پیناک و لیلیس، ۲۰۰۷؛ جونگ و همکاران، ۲۰۱۴).

از سویی، همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به اهمیت کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار به عنوان یکی از ضرورت‌های توسعه اقتصادی و کسب برتری رقابتی در عرصه‌های بین‌المللی تأکید دارند. به این ترتیب اغلب کشورهای در حال توسعه به منظور اشاعه نگرش به مقوله کارایی و تعمیم به کارگیری فنون و روش‌های بهبود آن، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در زمینه کارایی نیروی کار انجام داده و یا در حال انجام دارند؛ به طوری که شاید بتوان گفت که پایه توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی آنها براساس توجه به مقوله کارایی نیروی کار و اشاعه آن در کلیه سطوح و طبقات جامعه می‌باشد. در این راه شرکت‌ها با چالش‌های بسیاری از جمله نبود یک شاخص دقیق ارزیابی کیفیت نیروی کار مواجه هستند.

در ایران نیز توجه به مقوله کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار، به دلایل مختلف از جمله حاکم نبودن فرهنگ و نگرش درست به کارایی در جامعه و همچنین بالا بودن نرخ بیکاری، با چالش‌های بسیاری همراه بوده است. بدون تردید در نظام صنعتی متحول امروزی نخست کوشش در شناخت عوامل مؤثر بر کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و سپس تلاش در تعیین عمل مؤثر در افزایش آن، یکی از شرایط ضروری برای تحقق رشد و توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی در کشور در حال توسعه ایران است.

از این رو، مطالعه ناکارایی (و کارایی) سرمایه‌گذاری نیروی کار به سه دلیل در بازار سرمایه ایران ارزشمند است: اول، هزینه دستمزد نیروی معمولاً دو سوم هزینه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را به خود اختصاص می‌دهد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۸). علی‌رغم اهمیت سرمایه‌گذاری در نیروی کار در تخصیص منابع مدیریتی ناکارا، ادبیات در رابطه کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری تنها بر سرمایه‌گذاری‌های غیر مکرر مثل سرمایه‌گذاری در سهام، تحقیق و توسعه و ادغام و تحصیل تمرکز کرده است (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹، گارسیا لارا و همکاران، ۲۰۱۶). دوم، بزرگ بودن نمونه در دسترس به علت وجود نیروی انسانی در هر شرکتی است. از آنجا که یکی از محدودیت‌های اکثر پژوهش‌های میدانی، عدم وجود نمونه کافی است؛ چون که نیروی انسانی در تمام شرکت‌های بورسی وجود دارد، لذا نتایج این پژوهش را می‌تواند با قابلیت اتکاری زیادی به کل شرکت‌های بورسی تعمیم داد. سوم، ماهیت متغیر بهای نیروی کار و تعدیلات کمتر بهای ثابت دستمزد (جانگ و همکاران، ۲۰۱۴)، باعث می‌شود اعمال اختیار بر سرمایه‌گذاری در نیروی کار کم هزینه تر باشد. هر دو این ویژگی‌ها منجر به تناوب بیشتر سرمایه‌گذاری در نیروی کار می‌شود، که شرایط بهتری را برای بررسی اثر ناکارایی نیروی کار بر اجتناب مالیاتی فراهم خواهد آورد.

اجتناب مالیاتی را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند (جهرومی، ۱۳۹۰؛ فروغی و محمدی، ۱۳۹۲ و خواجوی و کیامهر،

۱۳۹۵). بنابراین، از آنجایی که اجتناب از پرداخت مالیات، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب از پرداخت مالیات در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب از پرداخت مالیات وجود ندارد (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲). اجتناب از مالیات رفتاری قانونی است، یعنی عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود. به همین منظور سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مالیاتی همیشه در قانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده است. این برنامه‌ها می‌توانند دامنه‌ای از سیاست‌های محافظه کارانه‌ی مالیاتی مانند ابزارهای مالی، تا سیاست‌های متهورانه‌ی مالیاتی همچون راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات را پوشش دهند (دسای و داراماپالا، ۲۰۰۹). از سویی، ریسک مالیاتی را نوسان بالا در نرخ‌های مؤثر مالیاتی تعریف می‌کنند. در واقع، هنگامی که فاصله بین نرخ مؤثر مالیاتی در سال‌های مختلف زیاد باشد، یعنی شرکت دارای ریسک مالیاتی زیادی است (بالاکریشن و همکاران، ۲۰۱۲).

به عنوان مثال، اگر بر فعالیتی چون فروش کالا، مالیات بر ارزش افزوده وضع شود. حال اگر فروشنده ای برای پرداخت مالیات کمتر، کالای کمتری بفروشد، رفتار وی بر پایه اجتناب از مالیات است. همچنین، اگر شرکت به دلیل بدهی‌های قبلی مالیاتی، نرخ مالیاتش بیشتر از مقدار پیش‌بینی شده باشد، در این صورت ریسک مالیاتی افزایش یافته است. اجتناب (و ریسک) مالیاتی دارای پیامدهای بالقوه مستقیم و غیر مستقیم بسیاری می‌باشد. کاهش هزینه مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه‌های مالیاتی و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرائم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این بنگاه‌ها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن کاهش ارزش شرکت از جمله پیامدهای مستقیم فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشند (هانلون و هیتر من، ۲۰۱۰).

اجتناب مالیاتی دارای ادبیات گسترده‌ای می‌باشد و توجه زیادی را به خصوص در سال‌های اخیر به خود جلب نموده است به طوری که منجر به اصلاح قانون مالیات ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۶ شده است که بزرگ‌ترین اصلاح قانون مالیات در تاریخ این کشور می‌باشد. آکسفام (۲۰۰۰) محاسبه کرده است که هزینه‌های اجتناب از مالیات شرکت‌های بزرگ در کشورهای در حال توسعه در حدود ۵۰ میلیارد در سال می‌باشد. همچنین مورفی (۲۰۰۲) تخمین زده است که در سال ۱۹۹۰، ۴ میلیارد دلار درآمد مالیات، گم‌شده و از بین رفته است و شاهد این امر، ۴۲۰۰۰ استرالیایی در گیر بازار برنامه ریزی جسورانه مالیات شده‌اند. علاوه بر این، بریت ویت (۲۰۰۳) بیان می‌دارد که هر ساله تعداد زیادی استراتژی که به دنبال سوء استفاده از نقص‌های موجود در قانون هستند، تهیه و تدوین می‌شوند، بنابراین، اجتناب از مالیات یک مسأله مهم است که شایسته است مورد بررسی قرار گیرد.

در ایران نیز پدیده اجتناب مالیاتی همانند سایر کشورها به موجب قانون تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای برخی صنایع، مناطق و افراد در نظر گرفته شده است. برای مثال به موجب ماده ۱۳۳ قانون مالیات‌های مستقیم فعالیت‌های کشاورزی معاف از مالیات می‌باشند و یا به موجب ماده ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم در آمد مربوط به سود سپرده‌های بانکی و سود سهام و اوراق مشارکت معاف از مالیات می‌باشند. مثال دیگر اینکه شرکتی با افزایش بدهی‌های خود اقدام به افزایش هزینه بهره کرده که این می‌تواند با کاهش سود خالص، مقدار مالیات واقعی شرکت را کاهش دهد. شرکت‌های بورسی

شکل‌های مختلفی از برنامه‌ریزی مالیاتی را برای کاهش بدهی‌های مالیاتی مورد انتظار خود بکار می‌گیرند. با این حال، این مزایای مورد انتظار بدون هزینه نیست. این هزینه‌ها شامل نیروی کار مستقیم و ضرورت سیستم‌های اطلاعاتی برای انجام برنامه‌ریزی مالیاتی و مواردی از این قبیل می‌باشد (دیاموند و ورسچیا، ۱۹۹۱؛ بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶؛ بتی و همکاران، ۲۰۱۰؛ میلر، ۲۰۱۰؛ لیسوسکی و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها با چالش اجتناب از پرداخت مالیات درگیر و به دنبال کاهش ریسک مالیاتی خود هستند.

بر اساس اصول نظریه نئوکلاسیک، ناکارایی نیروی کار منجر به سودآوری کمتر و ابهام درباره تداوم فعالیت می‌شود (کامرون و همکاران، ۱۹۹۱؛ کامرون، ۱۹۹۴). دلیل کاهش سودآوری این است که نیروی کار، برخلاف سرمایه، اساساً به خروجی جریان‌های وجوه نقد عملیاتی شرکت می‌پردازد و کمکی به بدهی یا تأمین مالی شرکت نمی‌کند. اگر ناکارایی نیروی کار، سودآوری شرکت و درآمدهای ایجاد شده داخلی را کاهش دهد به گونه‌ای که شرکت‌ها نتوانند مخارج فعلی خود را تأمین کنند (برای مثال؛ دستمزد، بهره و مالیات)، در این صورت ممکن است شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی به پس‌انداز وجوه نقد بپردازند. تصور می‌شود که سرمایه‌گذاری کارآمدتر در نیروی کار منجر به سطح بالاتر از اجتناب مالیاتی شود. ناکارایی نیروی کار با کاهش شفافیت و تبادل اطلاعاتی همراه بوده و اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد (جونگ و همکاران، ۲۰۱۴).

توانایی یک شرکت برای اجتناب مالیاتی، بوسیله یک سرمایه‌گذاری کارآمد در نیروی کار که کسب و یکپارچه‌سازی (ارزیابی) اطلاعات را آسانتر می‌کند، بهبود بخشیده می‌شود (گالمور و همکاران، ۲۰۱۴). اطلاعات لازم و ضروری برای عملکرد مالیاتی به نوعی در درون شرکت پراکنده است و صرفاً به نظر می‌رسد این اطلاعات در سیستم‌های مطلوب گزارشگری مدیریتی و مالی در دسترس باشند (کرانفورد و همکاران، ۲۰۱۲). مستندسازی و جمع‌آوری اطلاعات از سیستم‌های غیر همسان و متفاوت برای پشتیبانی از مالیات ابرازی شرکت‌ها می‌تواند بسیار وقت‌گیر و پرهزینه باشد (کیم و همکاران، ۲۰۱۱). میلس و همکاران (۱۹۹۸) عقیده دارند که شرکت‌ها، فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی با توجه به اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات را در اختیار دارند، ولی هزینه نگهداری و ثبت برای کسب این مزیت مالیاتی معمولاً بالا است. شرکت‌هایی که نیروی کار با کیفیت بالا دارند، ممکن است در وضعیت بهتری برای مواجهه کاراتر با فرایند مستندسازی مالیات و شناسایی آسانتر معاملات که منافع مالیاتی بالاتری دارند، باشند (گالمور و لابرو، ۲۰۱۴). تیلور و همکاران (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری کارآمدتری در نیروی کار خود داشته‌اند، سطوح بالاتری از اجتناب مالیاتی را گزارش کرده‌اند. آقایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که توانایی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکت اثر مثبتی دارد. شیبانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی اثر مثبتی دارد. چیز و همکاران (۲۰۱۳) دریافته‌اند که قدرت اتحادیه‌های کارگری، سطح اجتناب مالیاتی را با افزایش نظارت توسط این اتحادیه‌های کارگری کاهش می‌دهد. تیلور و ریچاردسون (۲۰۱۴) نشان دادند که سطوح بالاتر از پاداش نقدی مدیران شرکت‌ها را به اجتناب مالیاتی بیشتر سوق می‌دهد. جولفاین (۲۰۰۰) نیز نشان داد مدیران شرکت‌هایی که اقدام به تقلب مالیاتی در اظهارنامه خود کرده‌اند، احتمال بالاتری وجود دارد تا نتوانند از روش‌های اجتناب مالیاتی استفاده کنند.

از اینرو مسئله اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار چه اثری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد؟

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱.۲. اجتناب مالیاتی

اجتناب از مالیات رفتاری قانونی است، یعنی عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود. به همین منظور سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مالیاتی همیشه در کانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده است. این برنامه‌ها می‌توانند دامنه‌ای از سیاست‌های محافظه کارانه‌ی مالیاتی مانند ابزارهای مالی، تا سیاست‌های متهورانه‌ی مالیاتی همچون راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات را پوشش دهند (دسای و داراماپالا، ۲۰۰۹).

به عنوان مثال، اگر بر فعالیتی چون فروش دوچرخه، مالیات بر ارزش افزوده وضع شود. حال اگر فروشنده‌ای برای پرداخت مالیات کمتر، دوچرخه کمتری بفروشد، رفتار وی بر پایه اجتناب از مالیات است. اگر همین فروشنده برای پرداخت کمتر مالیات، میزان فروش دوچرخه را کمتر از مقدار واقعی آن به اداره مالیات گزارش کند، رفتار وی فرار از مالیات قلمداد می‌شود. در ادبیات اقتصادی هر دو واژه معمولاً به طور مشترک نشان دهنده عدم رعایت قانون مالیات هست با این حال، مهم است که به تجزیه و تحلیل رفتار اجتناب از مالیات، بیشتر به جهت مسائل اقتصادی نه به دلیل مسائل حقوقی و اخلاقی پرداخته شود. اجتناب مالیاتی دارای پیامدهای بالقوه مستقیم و غیر مستقیم بسیاری می‌باشد. کاهش هزینه مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه‌های مالیاتی و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرائم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این بنگاه‌ها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن کاهش ارزش شرکت از جمله پیامدهای مستقیم فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). علاوه بر این ممکن است جامعه نیز شرکت‌هایی که رویه متهورانه‌ای در خصوص مالیات دارند را جریمه و تحریم نمایند و عدم مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها برای آن، شهرت منفی به وجود آورد که این موارد نیز از جمله پیامدهای غیر مستقیم فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشند (حسینوف و کلام، ۲۰۱۲).

اجتناب مالیاتی دارای ادبیات گسترده‌ای می‌باشد و توجه زیادی را به خصوص در سال‌های اخیر به خود جلب نموده است به طوری که منجر به اصلاح قانون مالیات ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۶ شده است که بزرگ‌ترین اصلاح قانون مالیات در تاریخ این کشور می‌باشد. آکسفام (۲۰۰۰) محاسبه کرده است که هزینه‌های اجتناب از مالیات شرکت‌های بزرگ در کشورهای در حال توسعه در حدود ۵۰ میلیارد در سال می‌باشد. همچنین مورفی (۲۰۰۲) تخمین زده است که در سال ۱۹۹۰، ۴ میلیارد دلار درآمد مالیات، گم‌شده و از بین رفته است و شاهد این امر، ۴۲۰۰۰ استرالیایی درگیر بازار برنامه ریزی جسورانه مالیات شده‌اند. علاوه بر این، بریت ویت (۲۰۰۳) بیان می‌دارد که هر ساله تعداد زیادی استراتژی که به دنبال سوء استفاده از نقص‌های موجود در قانون هستند، تهیه و تدوین می‌شوند، بنابراین، اجتناب از مالیات یک مسأله مهم است که شایسته است مورد بررسی قرار گیرد.

در ایران نیز مانند سایر کشورها به موجب قانون تخفیف ها و معافیت های مالیاتی برای برخی صنایع، مناطق و افراد در نظر گرفته شده است. برای مثال به موجب ماده ۱۳۳ قانون مالیات های مستقیم، فعالیت های کشاورزی معاف از مالیات می باشند و یا به موجب ماده ۱۴۵ قانون مالیات های مستقیم، درآمد مربوط به سود سپرده های بانکی و سود سهام و اوراق مشارکت معاف از مالیات می باشند و با این که ماده ۲۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۰۶ مجلس شورای اسلامی مقرر می نماید که شرکت هایی که ۲۰ درصد سهام شناور آزاد داشته باشند مشمول معافیت مالیاتی ۲۰ درصدی شوند. پیش از این طبق ماده ۱۴۳ قانون مالیات های مستقیم مقرر شده بود که شرکت های بورسی مشمول معافیت مالیاتی ۱۰ درصدی می باشد یعنی نرخ مالیات شرکت ها غیر بورسی ۲۵ درصد و شرکت های بورسی ۲۲٫۵ درصد می بودند که به موجب مصوبه مجلس که در سال ۱۳۸۸ نرخ مالیات شرکت هایی که بیش از ۲۰ درصد سهام شناور آزاد داشته باشند معادل ۲۰ درصد می باشد. هرچند که هدف این قانون توسعه و گسترش سهام شناور و افزایش نقد شوندگی سهام و همچنین تسهیل در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی عنوان شده، ولیکن باید خاطر نشان کرد که این قانون و کاستی های مربوط به نظارت و سایر قوانین این امکان را برای شرکت ها فراهم می نماید که با مبادلات به ظاهر قانونی سهام، درصد سهام شناور شرکت را به حدنصاب رسانده و شرکت مشمول معافیت ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی شود و نرخ مالیاتی آن به جای ۲۲/۵ درصد با نرخ ۲۰ درصد محاسبه و پرداخت شود.

۲٫۲. ناکارایی سرمایه گذاری نیروی کار

امروزه، نقش و اهمیت نیروی کار در فرایند تولید و ارائه خدمات در جوامع بشری به عنوان مهم ترین عامل مشخص شده است. با نگاهی به مراحل تمدن بشری مشخص می شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده به سرمایه انسانی تکامل یافته است، چرا که پیشرفت تکنولوژی بدون تحولات نیروی کار، فاقد کارایی است. در عصر حاضر، دیگر تزیق منابع مالی به عنوان فاکتور اصلی توسعه به شمار نمی آید بلکه تحولات و بهره وری نیروی کار به رشد خود سبب ارتقای سازمان ها و به تبع آن توسعه نظام های اقتصادی در جهان می شوند، به طوری که سرمایه های انسانی میزان سرمایه های مادی را تعیین می کنند (متفکر آزاد و همکاران، ۱۳۹۵). به جرأت می توان ادعا کرد که هر ماشینی در نهایت یک ظرفیت تعریف شده دارد که بیش از آن نمی توان انتظار داشت اما ظرفیت های نیروی کار تا بی نهایت است و همچنین تا کنون هیچ فرایند تولیدی اختراع نشده است که به کار انسانی نیازمند نباشد. ریشه و علل عقب افتادگی کشورهای توسعه نیافته که بطور اساسی تحت تأثیر پدیده بهره وری پایین است. بنابراین رشد بالای بهره وری خصوصاً بهره وری نیروی انسانی کار همه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد.

استفاده صحیح از نیروی انسانی به مثابه ارزشمندترین و بزرگترین ثروت هر جامعه به صورت مسئله ای حائز اهمیت مورد توجه دولت ها بوده است. به عبارت دیگر می توان گفت که انسان هم، هدف توسعه و هم عامل آن محسوب می شود و پژوهش اهداف توسعه تا حد قابل توجهی به نحوه ی اداره و مدیریت این ثروت و منبع حیاتی بستگی یافته است. در این میان تجربه نشان داده است که کوچک سازی دولت ها و میدان دادن به بخش خصوصی و تعاونی و همزمان سبب صعود روند بهره وری و سرمایه گذاری، مشارکت و منابع انسانی می شود. بنابراین کارایی نیروی کار (نیروی انسانی) یکی از رکن های مهم هر موسسه یا سازمان می باشد (کال و همکاران، ۲۰۱۷).

کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار در سالیان متمادی، بیشتر تحت عنوان نرخ کارایی معرفی شده است و با مسائل کیفیت و هزینه سروکار داشته است تا به امروز که کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار به موضوعات اجتماعی مانند ایجاد شغل، امنیت شغلی، کاهش فقر، حفو محیط زیست و پاسخ‌گویی اجتماعی هم وارد شده است. برای کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار دو تعریف اصلی می‌توان ذکر کرد که در بسیاری از کتب علمی به آن اشاره شده است. تعریف اول نسبت ستانده (مانند کالاها و خدمات تولید شده (به داده) نیروی کار، مواد، انرژی و غیره) است. هدف کارایی در این تعریف، بیشینه کردن ستانده و کمینه کردن داده‌هاست. تعریف دوم عبارت از جمع بین کارایی و اثربخشی است. کارایی را می‌توان به انجام درست کارها تعبیر کرد؛ بدین معنی که نتایج با کمترین هزینه و بیشترین ارزش افزوده حاصل شوند. اثربخشی نیز به مفهوم انجام کارهای درست است؛ یعنی اهداف تعیین شده به درستی انتخاب شده باشند. بنابراین بهره‌وری، ترکیبی از کارایی و اثربخشی است (جونگ و همکاران، ۲۰۱۴).

۳,۲. ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی

کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار عبارت است از به حداکثر رساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی و تمهیدات به طریق علمی به منظور کاهش هزینه‌ها و رضایت کارکنان، مدیران و مصرف‌کنندگان. تعاریف دیگر، کارایی سرمایه‌گذاری نیروی انسانی را حداکثر استفاده مناسب از نیروی انسانی به منظور حرکت در جهت اهداف سازمان با کمترین زمان و حداقل هزینه داشته‌اند. بر اساس دیدگاه سازمان بهره‌وری ملی ایران، کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار یک نگرش عقلانی به کار و زندگی است (شهبازیان و قنبری، ۱۳۹۶). این مشابه یک فرهنگ بوده که هدف آن هوشمندانه‌تر کردن فعالیت‌ها برای یک زندگی بهتر و متعالی است. کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار عبارت است به دست آوردن حداکثر سود ممکن از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی، زمین، ماشین، پول، تجهیزات زمان، مکان و غیره به منظور ارتقاء رفاه جامعه، به گونه‌ای که افزایش آن به عنوان یک ضرورت، در جهت ارتقاء سطح زندگی انسان‌ها و ساختن اجتماعی همواره مدنظر صاحب‌نظران سیاست، مدیریت و اقتصاد قرار دارد. کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار به معنای به کارگیری تعداد بهینه‌ای از نیروی انسانی است (جونگ و همکاران، ۲۰۱۴). از طرفی، ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار، که مبین یک عنصر مهم در ورودی شرکت است، از پیامدهای ضعف در سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و عملیات شرکت‌ها است (برای مثال، پیناک و لیلیس، ۲۰۰۷؛ جونگ و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع، ناکارآمدی نیروی کار، منعکس‌کننده هزینه‌های نمایندگی بالاتر، نظارت ناکافی و شفافیت و تبادل اطلاعات ضعیف است (پیناک و لیلیس، ۲۰۰۷؛ جونگ و همکاران، ۲۰۱۴).

این پژوهش به بررسی تأثیر ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بر اجتناب مالیاتی خواهد پرداخت. منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات پرداختنی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰). اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است (اگراوال، ۲۰۰۷). براساس اصول نظریه نئوکلاسیک، ناکارایی نیروی کار منجر به سودآوری کمتر و ابهام درباره تداوم فعالیت می‌شود (کامرون و همکاران، ۱۹۹۱؛ کامرون، ۱۹۹۴). دلیل کاهش سودآوری این است که نیروی کار، برخلاف سرمایه، اساساً به خروجی جریان‌های وجوه نقد عملیاتی شرکت می‌پردازد و کمکی به بدهی یا تأمین مالی شرکت نمی‌کند. اگر ناکارایی نیروی کار سودآوری شرکت و درآمدهای ایجاد شده داخلی را کاهش دهد به گونه‌ای که شرکت‌ها نتوانند مخارج فعلی خود را تأمین کنند (برای مثال؛ دستمزد، بهره و مالیات)، در این صورت ممکن است شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی به پس‌انداز وجوه نقد بپردازند. تصور می‌شود که سرمایه‌گذاری کارآمدتر در نیروی کار منجر به سطح بالاتر از اجتناب مالیاتی شود. ناکارایی نیروی کار با کاهش شفافیت و تبادل اطلاعاتی همراه بوده و اجتناب مالیاتی را کاهش داده و ریسک مالیاتی را افزایش می‌دهد (جونگ و همکاران، ۲۰۱۴).

۴.۲. پیشینه پژوهش

خائولا و موئز (۲۰۱۹) به بررسی اثر تعدیلی اعضای هیأت مدیره بر رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی (اجتناب مالیاتی) و ارزش شرکت پرداختند. جامعه آماری شامل ۱۰۵ شرکت اروپایی در سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲ بوده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که استقلال هیأت مدیره و تنوع جنسیتی اعضای هیأت مدیره اثر منفی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت دارد. تیلور و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های آمریکایی در سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۱۴ می‌پردازد. جامعه آماری آن ۶۱۵۴۲ مشاهده سال-شرکت بوده است. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که بین کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

خورانا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی، توانایی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های آمریکایی در طی سال‌های ۱۹۹۴ الی ۲۰۱۵ پرداختند. جامعه آماری شامل ۲۱۴۰۳۰ مشاهده سال-شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی می‌تواند کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که توانایی مدیریت می‌تواند اثر اجتناب مالیاتی بر کارایی سرمایه‌گذاری را بیشتر کند.

بالاکریشان و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط اجتناب مالیاتی و شفافیت اطلاعات مالی در شرکت‌های آمریکایی در سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۴ پرداختند و نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در یک محیط اطلاعاتی شفاف، سطح اجتناب مالیاتی کمتر بوده است.

کال و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط کیفیت نیروی کار و خروجی گزارشگری مالی پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شرکتهای امریکایی در سالها ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ بوده است. شواهد پژوهش آنها نشان داد که کیفیت کارکنان منجر به افزایش کیفیت اقلام تعهدی شده است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که با افزایش کیفیت نیروی کار، ضعف‌های بااهمیت در کنترل‌های داخلی کمتر است. همچنین، نیروی کار با کیفیت، تجدید ارائه صورتهای مالی را کمتر کرده است. شواهد پژوهش مبین این است که با افزایش کیفیت نیروی کار، خطای تجدید ارائه صورتهای مالی کمتر و سود پیش‌بینی شده به سود واقعی نزدیکتر خواهد شد.

هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های آمریکایی در خلال سال‌های ۱۹۹۸ الی ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در شرکتهای با مشتریان متمرکز بالا، اجتناب مالیاتی بالاتر است. همچنین این شرکتهای از ریسک مالیاتی بالاتری برخوردار هستند.

بن نصر و عبدالله (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین محتوی اطلاعاتی قیمت سهام و کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که محتوای اطلاعاتی قیمت سهام یک رابطه معنادار مثبت با کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار دارد.

کیم و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی دریافتند که اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با ریسک سقوط قیمت سهام در سطح شرکت رابطه‌ی مثبت دارد.

مهرانی و سمیعی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه‌کاری مشروط بر کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار پرداختند. این پژوهش از نوع توصیفی، همبستگی و پس‌رویدادی بوده است. در این پژوهش جامعه آماری تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار اوراق بهادار تهران هستند که از آن میان ۱۴۴۹ سال-شرکت در سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۶ انتخاب شده است. بر اساس نتایج برآورد الگوها، رابطه منفی و معناداری میان محافظه‌کاری و کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی یافت شد. نتایج نشانگر این بود که محافظه‌کاری از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تصمیمات ناکارا در بازار نیروی انسانی را کاهش می‌دهد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش توانایی مدیران در اجتناب مالیاتی شرکت پرداختند. شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش اجتناب از پرداخت مالیات، نرخ مؤثر مالیاتی دفتری، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت هستند. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران است که طی سال‌های ۸۷ تا ۹۳ بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین توانایی مدیریتی و هر سه معیار استفاده‌شده برای اجتناب از پرداخت مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مدیران تواناتر، بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند که منجر به کاهش پرداخت‌های مالیات توسط شرکت می‌گردد. از طرفی، نتایج نشان‌دهنده این است شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر است.

شیبانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن سهم بازار شرکت پرداختند. معیار اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی، تفاوت نرخ قانونی و واقعی مالیات شرکت است. نمونه پژوهش شامل ۷۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ بوده و داده‌ها با استفاده از رگرسیون تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، ارتباط مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی زمانی برجسته‌تر است که شرکت در صنعتی که فعالیت می‌کند، سهم بازار کمتری داشته باشد.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط شفافیت گزارشگری مالی و نرخ مؤثر مالیاتی پرداختند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناخت رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا، از متغیرهای هموارسازی سود، ارقام تعهدی اختیاری، کیفیت افشا و کیفیت حساسی برای تبیین شفافیت گزارشگری مالی استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۸۱ شرکت می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون خطی چند متغیره بر اساس روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از این است که هموارسازی سود و ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری دستکاری سود، دارای رابطه مثبت و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی است، کیفیت افشا به عنوان معیاری مستقیم از شفافیت گزارشگری مالی، دارای رابطه منفی و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی می‌باشد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حساسی به عنوان معیاری مستقیم از شفافیت گزارشگری مالی، دارای رابطه منفی و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی است.

شهبازیان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بوری اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. یافته‌های پژوهش داد که بین کیفیت حسابداری و سرمایه‌گذاری کارا در نیروی کار رابطه معنی داری وجود دارد، بین کیفیت ارقام تعهدی و سرمایه‌گذاری کارا رابطه معنی داری وجود دارد، بین کیفیت ارقام تعهدی و سرمایه‌گذاری کارا در نیروی کارا رابطه معنی داری وجود دارد، تائید شدند.

خواجویی و سروستانی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی پرداختند. در راستای آزمون تجربی این موضوع، از ۱۳۸ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تأثیرگذاری مثبت هزینه‌های نمایندگی بر اجتناب مالیاتی پشتیبانی می‌کند. این پژوهش می‌تواند به فهم دقیق‌تری از نقش نظریه نمایندگی در چارچوب اجتناب مالیاتی منجر شود و نشان دهد که چگونه مشکلات نمایندگی رویکرد مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

افلاطونی و خزایی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت ارقام تعهدی و کیفیت افشا بر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی پرداختند. در این پژوهش، تأثیر دو مؤلفه کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت ارقام تعهدی و کیفیت افشا) بر درجه ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی (بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی) در نمونه-ای متشکل از ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ بررسی شده است. نتایج پژوهش در کل نشان می‌دهد با افزایش کیفیت ارقام تعهدی و کیفیت افشا، میزان بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی کاهش می‌یابد و شرکت‌ها تعداد بهینه‌تری از کارکنان را به خدمت می‌گیرند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع علی یا پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) و از حیث هدف کاربردی خواهد بود، یعنی کشف علت‌ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده مورد نظر است؛ بنابراین، پس از آنکه واقعه‌ای روی داد، پژوهش درباره آن شروع می‌شود و در راستای عمل و نیازهای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به انجام می‌رسد. این پژوهش در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی خواهد بود. این پژوهش از جهت روش گردآوری و استنتاج داده‌ها، استقرایی است. در این نوع تحقیقات بر مبنای مصادیق و مشاهدات جزئی یا موردی به یک قاعده کلی می‌رسیم و هدف از جزء به کل رسیدن است که بخشی از جامعه به عنوان نمونه تصادفی انتخاب شده و نتایج مطالعه را به کل افراد جامعه تسری می‌دهیم. این پژوهش در پی بررسی امکان وجود روابط علت و معلولی از طریق مشاهده نتایج موجود و زمینه قبلی آنها به امید یافتن علت وقوع پدیده می‌باشد. در پژوهش همبستگی هدف اصلی آن است که مشخص شود آیا رابطه‌ای بین دو یا چند متغیر وجود دارد و اگر این رابطه وجود دارد اندازه و مقدار آن چقدر است. برای آزمون فرضیه پژوهش با بهره‌گیری از نرم‌افزار ایویوز ۱۰ و با استفاده از رگرسیون چند متغیره در جهت بررسی رابطه متغیرها و آزمون فرضیه استفاده شده است.

جدول ۱. انتخاب نمونه پژوهش

ردیف	جامعه آماری مورد بررسی در زمان غربالگری جامعه آماری	۳۴۵
۱	شرکت‌هایی که سال مالی شان ۲۹ اسفند نیست	۹۷
۲	شرکت‌های بیمه، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها و مؤسسات مالی و پولی	۲۶
۳	شرکت‌های لغو پذیرش شده	۶۷
۵	شرکت‌هایی که تغییر سال مالی داده‌اند	۷
۴	عدم دسترسی به اطلاعات	۸
۶	جامعه آماری منتخب	۱۴۰

با توجه به شرایط ذکر شده، ۱۴۰ شرکت و تعداد ۹۸۰ مشاهده سال-شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ به عنوان جامعه آماری در دسترس انتخاب شده است.

فرضیه پژوهش: ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بر اجتناب مالیاتی اثر منفی و معناداری دارد.

مدل ۱. آزمون فرضیه پژوهش

$$TAX_AVOID_{it} = \beta_0 + \beta_1 AB_NET_HIRE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 MTB_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 CASH_{it} \\ + \beta_6 ROE_{it} + \beta_7 Dummy_NOL_{it} + \beta_8 \Delta NOL_{it} + \beta_9 FOR_INC_{it} + \beta_{10} CAP_INT_{it} \\ + \beta_{11} INTANGE_{it} + \beta_{12} EQINC_{it} + \beta_{13} RND_{it} + \beta_{14} SALES_GROWTH_{it} \\ + INDUSTRY_{it} + YEAR_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن تعریف متغیرها به صورت زیر است:

متغیر وابسته و تعریف عملیاتی آن:

در این پژوهش اجتناب مالیاتی (TAX_AVOID_{it}) متغیر وابسته است که در این پژوهش از نرخ مؤثر مالیاتی (ETR_{it}) برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیاتی برابر است با نسبت هزینه مالیات ابرازی (هزینه مالیات مندرج در صورت سود و زیان) به سود خالص قبل از کسر مالیات شرکت t در سال t (حاجیان نژاد و دانش سرارودی، ۱۳۹۸؛ طایفه و همکاران، ۱۳۹۸؛ تیلور و همکاران، ۲۰۱۹).

متغیر مستقل و تعریف عملیاتی آن:

در این پژوهش ناکارایی سرمایه گذاری نیروی کار ($AB_NET_HIRE_{it}$) متغیر مستقل است که برای برآورد ناکارایی نیروی کار از رویکرد ارائه شده توسط پینونک و لیلیس (۲۰۰۷) استفاده شده است. در این رویکرد، قدر مطلق جزء خطای بدست آمده از مدل رگرسیونی زیر برآورد خواهد شد، ناکارایی سرمایه گذاری نیروی کار بدست خواهد آمد (افلاطونی و خزائی، ۱۳۹۵؛ حجازی و همکاران، ۱۳۹۸؛ مهرانی و سمیعی، ۱۳۹۸؛ تیلور و همکاران، ۲۰۱۹):

$$NET_HIRE_{it} = \beta_0 + \beta_1 SALES_GROWTH_{it-1} + \beta_2 SALES_GROWTH_{it} + \beta_3 \Delta ROA_{it} \\ + \beta_4 \Delta ROA_{it-1} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 RETURN_{it} + \beta_7 SIZE_{it-1} + \beta_8 Quick_{it-1} \\ + \beta_9 \Delta Quick_{it-1} + \beta_{10} \Delta Quick_{it} + \beta_{11} LEV_{it-1} + \beta_{12} LOSSBIN1_{it-1} \\ + \beta_{13} LOSSBIN2_{it-1} + \beta_{14} LOSSBIN3_{it-1} + \beta_{15} LOSSBIN4_{it-1} \\ + \beta_{16} LOSSBIN5_{it-1} + INDUSTRY_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

NET_HIRE_{it} : نشان دهنده کل سرمایه گذاری در نیروی کار که برابر است با تفاوت بین تعداد کارکنان شرکت t در سال t و سال $t-1$ تقسیم بر تعداد کل کارکنان در سال $t-1$.

$SALES_GROWTH_{it}$: متغیر نشان دهنده رشد فروش شرکت در سال t که برابر است با فروش در سال t منهای فروش در سال $t-1$ تقسیم بر فروش در سال $t-1$ ؛

ROA_{it} : برابر است نرخ بازده دارایی های شرکت t در سال t که برابر است با نسبت سود خالص به دارایی ها؛

$RETURN_{it}$: نشان دهنده بازده سهام سالانه شرکت t در سال t که نرم افزار ره آورد نوین استخراج می شود.

$SIZE_{it-1}$: برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت t در سال $t-1$ و متغیری برای اندازه شرکت؛

$Quick_{it-1}$: برابر است با نسبت آنی شرکت t در سال $t-1$ که برابر است با نسبت جمع وجوه نقد به علاوه سرمایه گذاری های کوتاه مدت و حسابها و اسناد دریافتی تجاری به بدهی های جاری؛

LEV_{it-1} : برابر است با اهرم مالی شرکت $t-1$ که از تقسیم بدهی به دارایی بدست می آید. $LOSSBIN1_{it-1}$: یک متغیر مجازی است. اگر نرخ بازده دارایی‌ها (سود خالص به مجموع دارایی‌ها) در سال $t-1$ بین ۰ تا ۰/۰۰۵ باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

$LOSSBIN2_{it-1}$: یک متغیر مجازی است. اگر نرخ بازده دارایی‌ها (سود خالص به مجموع دارایی‌ها) در سال $t-1$ بین ۰/۰۰۵ تا ۰/۰۱۰ باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

$LOSSBIN3_{it-1}$: یک متغیر مجازی است. اگر نرخ بازده دارایی‌ها (سود خالص به مجموع دارایی‌ها) در سال $t-1$ بین ۰/۰۱۰ تا ۰/۰۱۵ باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

$LOSSBIN4_{it-1}$: یک متغیر مجازی است. اگر نرخ بازده دارایی‌ها (سود خالص به مجموع دارایی‌ها) در سال $t-1$ بین ۰/۰۱۵ تا ۰/۰۲۰ باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

$LOSSBIN5_{it-1}$: یک متغیر مجازی است. اگر نرخ بازده دارایی‌ها (سود خالص به مجموع دارایی‌ها) در سال $t-1$ بین ۰/۰۲۰ تا ۰/۰۲۵ باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

$INDUSTRY_{it}$: اثرات تصادفی نوع صنعت که به صورت یک متغیر مجازی (صفر یا یک) وارد مدل خواهد شد. پس از انتخاب جامعه آماری مورد بررسی و تفکیک شرکت‌های بر اساس نوع صنعتی که فعال هستند، برای هر صنعت یک متغیر مجازی در مدل‌های تعریف می‌کنیم. در بررسی متغیر هر صنعت، به شرکتی که عضو صنعت مورد بررسی بود عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌دهیم.

پس از برآورد مدل بالا برای کلیه سال شرکتها به صورت ترکیبی، قدر مطلق جزء خطای مدل دوم ($|E_{it}|$) نشان‌دهنده ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار ($AB_NET_HIRE_{it}$) است. در واقع، هر چقدر قدر مطلق جزء خطای مدل (۲) بیشتر باشد، ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار نیز بالاتر است.

متغیرهای کنترلی و تعریف عملیاتی آن:

$SIZE_{it}$: برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌های شرکت t در سال t .

MTB_{it} : برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت t در سال t .

LEV_{it} : برابر است با نسبت بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت t در سال t .

$CASH_{it}$: برابر است با نسبت وجوه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت t در سال t .

ROE_{it} : برابر است با نسبت سود خالص پس از کسر مالیات به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت t در سال t .

$Dummy_NOL_{it}$: یک متغیر مجازی است. اگر شرکت t در سال t زیان عملیاتی داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

ΔNOL_{it} : برابر است با سود (زیان) عملیاتی در سال t منهای سال $t-1$ که با ارزش دفتری دارایی‌ها شرکت در سال t همگن می‌شود.

FOR_INC_{it} : برابر است با نسبت درآمدهای خارجی به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت t در سال t .

CAP_INT_{it} : برابر است با نسبت اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت t در سال t .

$INTANG_{it}$: برابر است با نسبت دارایی‌های نامشهود به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت t در سال t .

$EQINC_{it}$: برابر است با نسبت سود سهام مصوب به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت t در سال t .

RND_{it} : برابر است با نسبت مخارج تحقیق و توسعه به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت t در سال t .

$SALES_GROWTH_{it}$: برابر است با رشد فروش خالص شرکت t در سال t . رشد فروش برابر است با فروش در سال t منهای فروش در سال $t-1$ تقسیم بر فروش در سال $t-1$.

$INDUSTRY_{it}$: اثرات تصادفی نوع صنعت که به صورت یک متغیر مجازی (صفر یا یک) وارد مدل خواهد شد. پس از انتخاب جامعه آماری مورد بررسی و تفکیک شرکت‌های بر اساس نوع صنعتی که فعال هستند، برای هر صنعت یک متغیر مجازی در مدل‌های تعریف می‌کنیم. در بررسی متغیر هر صنعت، به شرکتی که عضو صنعت مورد بررسی بود عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌دهیم.

$YEAR_{it}$: اثرات تصادفی سال که به صورت یک متغیر مجازی (صفر یا یک) وارد مدل خواهد شد. با توجه به دوره ۷ ساله پژوهش (۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷)، باید ۷ متغیر مجازی در مدل‌های پژوهش تعریف شود. در بررسی متغیر هر سال، به سال مورد بررسی عدد یک و به سایر سال‌ها عدد صفر می‌دهیم.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴.۱. آمار توصیفی

در این بخش به توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش در جدول‌های ۲ و ۳ پرداخت شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میان	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
اجتناب مالیاتی	TAX_AVOID _{it}	۰/۰۹۲	۰/۰۷۰	۰/۰۹۶	۰	۰/۴۰۰
ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار	AB_NET_HIRE _{it}	۰/۰۹۰	۰/۰۴۷	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰۷	۰/۴۲۵
اندازه شرکت (میلیون ریال)	SIZE _{it}	۱۴/۳۳۲	۱۴/۲۳۹	۱/۳۷۶	۱۰/۵۳۲	۱۹/۷۷۳
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB _{it}	۳/۵۲۶	۲/۵۳۷	۲/۷۴۶	۰/۹۶۷	۱۰/۷۵۰
اهرم مالی	LEV _{it}	۰/۶۴۴	۰/۶۵۳	۰/۱۹۲	۰/۱۷۷	۰/۹۰۵
نگهداشت وجه نقد	CASH _{it}	۰/۰۵۲	۰/۰۳۰	۰/۰۶۶	۰/۰۰۰۹	۰/۳۵۴
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE _{it}	۰/۲۶۷	۰/۲۲۶	۰/۶۷۱	-۲/۶۱۴	۳/۹۴۶
درصد تغییرات در سود (زیان) عملیاتی	ΔNOL_{it}	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	۰/۰۹۶	-۰/۲۸۶	۰/۳۲۷

متغیر	نماد	میانگین	میان	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
نسبت اموال، تجهیزات و ماشین آلات به دارایی	CAP_INT _{it}	۰/۲۵۳	۰/۲۰۹	۰/۱۷۸	۰/۰۱۷	۰/۷۸۲
نسبت دارایی نامشهود به دارایی	INTANGE _{it}	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰	۰/۰۵۶
نسبت سود تقسیمی به دارایی	DIV _{it}	۰/۰۴۱	۰/۰۱۳	۰/۰۶۳	۰	۰/۳۶۹
رشد فروش خالص	SALES_GROWTH _{it}	۰/۱۷۱	۰/۱۳۱	۰/۳۵۳	-۰/۷۳۰	۰/۹۱۶
رشد نیروی کار	NET_HIRE _{it}	-۰/۰۲۵	-۰/۰۱۰	۰/۱۱۵	-۰/۵۱۱	۰/۱۲۴
رشد فروش سال قبل	SALES_GROWTH _{it-1}	۰/۱۵۱	۰/۱۲۹	۰/۳۲۹	-۰/۷۳۰	۰/۸۵۲
تغییرات نرخ بازده دارایی‌ها	ΔROA _{it}	-۰/۰۰۰۶	-۰/۰۰۰۷	۰/۱۱۲	-۰/۴۰۵	۰/۴۳۶
تغییرات نرخ بازده دارایی‌های سال قبل	ΔROA _{it-1}	-۰/۰۰۰۸	-۰/۰۰۰۵	۰/۰۹۸	-۰/۳۹۲	۰/۳۵۵
نرخ بازده دارایی‌های سال جاری	ROA _{it}	۰/۰۶۲	۰/۰۶۱	۰/۱۶۶	-۰/۶۰۵	۰/۴۷۲
نرخ بازده سهام سالانه سال جاری	RETURN _{it}	۰/۷۳۰	۰/۲۵۵	۱/۲۷۵	-۰/۵۴۲	۶/۴۲۸
اندازه شرکت سال قبل (ریال)	SIZE _{it-1}	۲۷/۷۰۶	۲۷/۶۹۷	۱/۴۲۱	۲۲/۶۵۴	۳۳/۴۸۰
نسبت آتی سال قبل	Quick _{it-1}	۰/۶۱۴	۰/۵۴۳	۰/۴۷۶	۰/۰۰۱	۵/۷۵۴
تغییرات نسبت آتی سال قبل	ΔQuick _{it-1}	۰/۰۲۵	۰/۰۰۱	۰/۳۵۶	-۴/۲۲۴	۳/۶۵۶
تغییرات نسبت آتی سال جاری	ΔQuick _{it}	۰/۰۲۴	۰/۰۰۳	۰/۳۶۶	-۴/۲۲۴	۳/۶۵۶
اهرم مالی سال قبل	LEV _{it-1}	۰/۶۵۹	۰/۶۶۱	۰/۲۰۲	۰/۱۸۸	۰/۹۸۷

در جدول ۲، میانگین متغیر اجتناب مالیاتی تقریباً ۰/۰۹۲، میان ۰/۰۷۲ و دارای حداقل مقدار ۰ و حداکثر مقدار ۰/۴۰۰ که انحراف معیاری در حدود ۰/۰۹۶ دارد. این نشان می‌دهد که میزان نرخ مالیاتی شرکت‌ها حدود ۹,۲ درصد سود خالص پس از کسر مالیات است. از آنجا که نرخ قانونی مالیات شرکت‌های بورسی ۲۲,۵ درصد است، این فاصله مبین استفاده گسترده شرکت‌ها بورسی از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است. همانطور که ملاحظه می‌گردد میانگین متغیر ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار تقریباً ۰/۰۹۰، میان ۰/۰۴۷ و دارای حداقل مقدار ۰/۰۰۰۷ و حداکثر مقدار ۰/۴۲۵ که انحراف

معیاری در حدود ۰/۱۰۸ دارد. نزدیکی میانگین متغیر کارایی نیروی کار به صفر مبین تلاش شرکت‌های بورسی برای دستیابی به یک نیروی کار اثربخش و کارآمد است. همچنین، میانگین متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقریباً ۳/۵۲۶، میانه ۲/۵۳۷، دارای حداقل مقدار ۰/۹۶۷ و حداکثر مقدار ۱۰/۷۵۰ که انحراف معیاری در حدود ۲/۷۶۴ دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به طور متوسط حدود ۳,۵ برابر ارزش دفتری بوده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای مجازی (صفر و یکی) تحقیق

متغیر	نماد	شرط	فروانی مطلق	درصد
متغیر مجازی زیان عملیاتی	Dummy_NOL _{it}	دارد=۱	۱۶۷	۱۷٪
		ندارد=۰	۸۱۳	۸۳٪
		کل	۹۸۰	۱۰۰٪

طبق جدول ۳، درصد فراوانی نسبی متغیر مجازی زیان عملیاتی ۱۷ درصد بوده است. این نشان می‌دهد که از ۹۸۰ مشاهده سال-شرکت، تعداد ۱۶۷ مشاهده، زیان عملیاتی گزارش کرده‌اند.

۲,۴. بررسی نتایج فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش به این صورت مطرح شد که "ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بر اجتناب مالیاتی اثر منفی و معناداری دارد".

در جدول ۴، ضریب متغیر ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار (AB_NET_HIRE_{it}) معادل ۰/۰۳۲- و آماره t معادل ۲/۷۷۹- می‌باشد که در سطح (۰/۰۰۰) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بین ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی، در شرکت‌هایی که ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بیشتر بوده است، اجتناب مالیاتی کمتر است. در واقع، باید گفت که با افزایش کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار، اجتناب مالیاتی بالاتر بوده است. تصور می‌شود که سرمایه‌گذاری کارآمدتر در نیروی کار منجر به سطح بالاتر از اجتناب مالیاتی شود. ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار با کاهش شفافیت و تبادل اطلاعاتی همراه بوده و اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. نتایج فرضیه پژوهش با پژوهش تیلور و همکاران (۲۰۲۰) نیز مطابقت دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون آماری فرضیه اول پژوهش

نماد	تعریف متغیر	ضریب	انحراف معیار خطا	آماره t	معناداری
C	مقدار ثابت	0.195251	0.018309	10.66394	0.0000
	کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار	-0.032279	0.011614	-2.779358	0.0056

نماد	تعریف متغیر	ضریب	انحراف معیار خطا	آماره t	معناداری
اندازه شرکت	SIZE _{it}	-0.003597	0.001041	-3.457037	0.0006
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB _{it}	0.004113	0.000674	6.100551	0.0000
اهرم مالی	LEV _{it}	-0.085700	0.011297	-7.585969	0.0000
نگهداشت وجه نقد	CASH _{it}	-0.103448	0.026101	-3.963351	0.0001
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE _{it}	0.005522	0.001209	4.568848	0.0000
متغیر مجازی زیان عملیاتی	Dummy_NOL _{it}	-0.071415	0.004768	-14.97903	0.0000
درصد تغییرات در سود (زیان) عملیاتی	ΔNOL _{it}	0.041708	0.015553	2.681608	0.0075
نسبت اموال، تجهیزات و ماشین آلات به دارایی	CAP_INT _{it}	-0.008419	0.006797	-1.238476	0.2158
نسبت دارایی نامشهود به دارایی	INTANGE _{it}	-1.273635	0.209537	-6.078340	0.0000
نسبت سود تقسیمی به دارایی	DIV _{it}	0.313197	0.035707	8.771349	0.0000
رشد فروش خالص	SALES_GROWTH _{it}	0.004964	0.004344	1.142655	0.2535
ضریب تعیین تعدیل شده		0.677109	آماره F	172.0822	
آماره دوربین واتسون		1.815941	سطح معناداری	0.000000	

نتایج متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه شرکت (SIZE_{it})، اهرم مالی (LEV_{it})، نگهداشت وجه نقد (CASH_{it})، متغیر مجازی زیان عملیاتی (Dummy_NOL_{it}) و دارایی‌های نامشهود (INTANGE_{it}) با اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارند. همچنین، متغیرهای نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB_{it})، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE_{it})، درصد تغییرات در سود (زیان) عملیاتی (ΔNOL_{it}) و نسبت سود تقسیمی به دارایی (DIV_{it}) با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری دارند. یافته‌های پژوهش رابطه معناداری بین نسبت اموال، تجهیزات و ماشین آلات به دارایی (INTANGE_{it}) و رشد فروش خالص (SALES_GROWTH_{it}) با اجتناب مالیاتی را نشان نمی‌دهد. همچنین میزان آماره F و سطح معناداری در مدل مبین روایی و درست بودن مدل پژوهش است. همچنین، با توجه به اینکه میزان دوربین واتسون در مدل پژوهش عددی ما بین ۱٫۵ تا ۲٫۵ است، لذا خودهمبستگی در مدل اول پژوهش وجود ندارد. همچنین، میزان ضریب تعیین تعدیل شده در مدل پژوهش ۰/۶۷ است که این نمایانگر میزان تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی است.

5. نتیجه‌گیری

کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار به معنای به کارگیری تعداد بهینه‌ای از نیروی انسانی است (جونگ و همکاران، ۲۰۱۴). ناکارایی در سرمایه‌گذاری نیروی کار، که نشان‌دهنده یک قلم با اهمیت در ورودی هزینه‌های تولید شرکت است، از پیامدهای ضعف در سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و عملیات شرکت‌ها است (برای مثال، پیناک و لیلیس، ۲۰۰۷؛ جونگ و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع، ناکارآمدی نیروی کار، منعکس‌کننده هزینه‌های نمایندگی بالاتر، نظارت ناکافی و شفافیت و تبادل اطلاعات ضعیف است (پیناک و لیلیس، ۲۰۰۷؛ جونگ و همکاران، ۲۰۱۴).

مطالعه ناکارایی (و کارایی) سرمایه‌گذاری نیروی کار به سه دلیل در بازار سرمایه ایران ارزشمند است: اول، هزینه دستمزد نیروی معمولاً دو سوم هزینه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را به خود اختصاص می‌دهد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۸). علی‌رغم اهمیت سرمایه‌گذاری در نیروی کار در تخصیص منابع مدیریتی ناکارا، ادبیات در رابطه کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری تنها بر سرمایه‌گذاری‌های غیر مکرر مثل سرمایه‌گذاری در سهام، تحقیق و توسعه و ادغام و تحصیل تمرکز کرده است (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹، گارسیا لارا و همکاران، ۲۰۱۶). دوم، بزرگ بودن نمونه در دسترس به علت وجود نیروی انسانی در هر شرکتی است. از آنجا که یکی از محدودیت‌های اکثر پژوهش‌های میدانی، عدم وجود نمونه کافی است؛ چون که نیروی انسانی در تمام شرکت‌های بورسی وجود دارد، لذا نتایج این پژوهش را می‌تواند با قابلیت اتکاری زیادی به کل شرکت‌های بورسی تعمیم داد. سوم، ماهیت متغیر بهای نیروی کار و تعدیلات کمتر بهای ثابت دستمزد (جانگ و همکاران، ۲۰۱۴)، باعث می‌شود اعمال اختیار بر سرمایه‌گذاری در نیروی کار کم هزینه‌تر باشد. هر دو این ویژگی‌ها منجر به تناوب بیشتر سرمایه‌گذاری در نیروی کار می‌شود، که شرایط بهتری را برای بررسی اثر ناکارایی نیروی کار بر اجتناب مالیاتی فراهم خواهد آورد.

اجتناب مالیاتی را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند (جهرومی، ۱۳۹۰؛ فروغی و محمدی، ۱۳۹۲ و خواجوی و کیامهر، ۱۳۹۵). بنابراین، از آنجایی که اجتناب از پرداخت مالیات، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب از پرداخت مالیات در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب از پرداخت مالیات وجود ندارد (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲). اجتناب از مالیات رفتاری قانونی است، یعنی عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود. به همین منظور سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مالیاتی همیشه در کانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده است. این برنامه‌ها می‌توانند دامنه‌ای از سیاست‌های محافظه کارانه‌ی مالیاتی مانند ابزارهای مالی، تا سیاست‌های متهورانه‌ی مالیاتی همچون راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات را پوشش دهند (دسای و داراماپالا، ۲۰۰۹). از سویی، ریسک مالیاتی را نوسان بالا در نرخ‌های مؤثر مالیاتی تعریف می‌کنند. در واقع، هنگامی که فاصله بین نرخ مؤثر مالیاتی در سال‌های مختلف زیاد باشد، یعنی شرکت دارای ریسک مالیاتی زیادی است (بالاکریشن و همکاران، ۲۰۱۲).

بر اساس اصول نظریه نئوکلاسیک، ناکارایی نیروی کار منجر به سودآوری کمتر و ابهام درباره تداوم فعالیت می‌شود (کامرون و همکاران، ۱۹۹۱؛ کامرون، ۱۹۹۴). دلیل کاهش سودآوری این است که نیروی کار، بر خلاف سرمایه، اساساً به

خروجی جریان‌های وجوه نقد عملیاتی شرکت می‌پردازد و کمکی به بدهی یا تأمین مالی شرکت نمی‌کند. اگر ناکارایی نیروی کار سودآوری شرکت و درآمدهای ایجاد شده داخلی را کاهش دهد به گونه‌ای که شرکت‌ها نتوانند مخارج فعلی خود را تأمین کنند (برای مثال؛ دستمزد، بهره و مالیات)، در این صورت ممکن است شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی به پس‌انداز وجوه نقد بپردازند. تصور می‌شود که سرمایه‌گذاری کارآمدتر در نیروی کار منجر به سطح بالاتر از اجتناب مالیاتی شود. ناکارایی نیروی کار با کاهش شفافیت و تبادل اطلاعاتی همراه بوده و اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد (جونگ و همکاران، ۲۰۱۴).

توانایی یک شرکت برای اجتناب مالیاتی، بوسیله یک سرمایه‌گذاری کارآمد در نیروی کار که کسب و یکپارچه‌سازی (ارزیابی) اطلاعات را آسانتر می‌کند، بهبود بخشیده می‌شود (گالمور و همکاران، ۲۰۱۴). اطلاعات لازم و ضروری برای عملکرد مالیاتی به نوعی در درون شرکت پراکنده است و صرفاً به نظر می‌رسد این اطلاعات در سیستم‌های مطلوب گزارشگری مدیریتی و مالی در دسترس باشند (کرانفورد و همکاران، ۲۰۱۲). مستندسازی و جمع‌آوری اطلاعات از سیستم‌های غیر همسان و متفاوت برای پشتیبانی از مالیات ابرازی شرکت‌ها می‌تواند بسیار وقت‌گیر و پرهزینه باشد (کیم و همکاران، ۲۰۱۱). میلس و همکاران (۱۹۹۸) عقیده دارند که شرکت‌ها، فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی با توجه به اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات را در اختیار دارند، ولی هزینه نگهداری و ثبت برای کسب این مزیت مالیاتی معمولاً بالا است. شرکت‌هایی که نیروی کار با کیفیت بالا دارند، ممکن است در وضعیت بهتری برای مواجهه کاراتر با فرایند مستندسازی مالیات و شناسایی آسانتر معاملات که منافع مالیاتی بالاتری دارند، باشند (گالمور و لابرو، ۲۰۱۴). تیلور و همکاران (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری کارآمدتری در نیروی کار خود داشته‌اند، سطوح بالاتری از اجتناب مالیاتی را گزارش کرده‌اند. آقایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که توانایی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکت اثر مثبتی دارد. شیبانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی اثر مثبتی دارد. چیز و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که قدرت اتحادیه‌های کارگری سطح اجتناب مالیاتی را با افزایش نظارت توسط این اتحادیه‌های کارگری کاهش می‌دهد. تیلور و ریچاردسون (۲۰۱۴) نشان دادند که سطوح بالاتر از پاداش نقدی مدیران شرکت‌ها را به اجتناب مالیاتی بیشتر سوق می‌دهد. جولفاین (۲۰۰۰) نشان داد مدیران شرکت‌هایی که اقدام به تقلب مالیاتی در اظهارنامه خود کرده‌اند، احتمال بالاتری وجود دارد تا نتوانند از روش‌های اجتناب مالیاتی استفاده کنند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش به صورت زیر خلاصه شده است:

فرضیه این پژوهش به این صورت مطرح شد که "ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بر اجتناب مالیاتی اثر منفی و معناداری دارد".

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه پژوهش نشان داد که بین ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی، در شرکت‌هایی که ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بیشتر بوده است، اجتناب مالیاتی کمتر است. در واقع، باید گفت که با افزایش کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار، اجتناب مالیاتی بالاتر بوده است. تصور می‌شود که سرمایه‌گذاری کارآمدتر در نیروی کار منجر به سطح بالاتر از اجتناب مالیاتی شود. ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار با کاهش شفافیت و تبادل اطلاعاتی همراه بوده و اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. نتایج فرضیه پژوهش با پژوهش تیلور و همکاران (۲۰۲۰) نیز مطابقت دارد.

References

- Aghaei, Mohammad Ali; Hassani, Hassan and Bagheri, Hassan. (2018). The Role of Managers' Ability in Corporate Tax Avoidance, *Empirical Studies in Financial Accounting*, 57, 47-24. (in Persian)
- Balakrishnan, K., Blouin, J. L., & Guay, W. R. (2019). Tax aggressiveness and corporate transparency. *The Accounting Review*, 94(1), 45-69.
- Balakrishnan, Karthik, Jennifer Blouin, and Wayne Guay. (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency? Working Paper, University of Pennsylvania.
- Beatty, A., Liao, S., & Weber, J. (2010). Financial reporting quality, private information, monitoring, and the lease-versus-buy decision. *The Accounting Review*, 85(4), 1215-1238.
- Ben-Nasr, H., Abdullah, A., (2016). Market timing and capital structure. *J. Finance*, 57, 1-32.
- Biddle, G. C., & Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment. *The Accounting Review*, 81(5), 963-982.
- Blaufus, K., Bob, J., Lorenz, D., & Trinks, M. (2015). How will the court decide? Tax experts' versus laymen's predictions. *European Accounting Review*, 1-22.
- Braithwaite, J. (2003), *Aggressive Tax Planning: Marketing Local and Global Shelters in New York, Sydney and Melbourne*, Center for Tax System Integrity, The Australian National University, Unpublished Book Manuscript.
- Brazel, J. F., & Dang, L. (2008). The effect of ERP system implementations on the management of earnings and earnings release dates. *Journal of information systems*, 22(2), 1-21.
- Call, A., Campbell, J., Dhaliwal, D., Moon, J. (2017). Employee quality and financial reporting outcomes, *Journal of Accounting and Economics*, 64, 123-149.
- Cameron, K.S. (1994). Strategies for successful organizational downsizing. *Hum. Resour. Manag.* 33 (2), 189-211.
- Cameron, K.S., Freeman, S.J., Mishra, A.K. (1991). Best practices in white collar downsizing: managing Contradictions. *Acad. Manag. Exec.* 5, 57-73.
- Desai, M. Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and firm Value. *Review of Economic and Statistics*, 91, 537-546.
- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
- Diamond, D. W., Verrecchia, R.E. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital, *Journal of Finance*, 46, 1325-1359.
- Foroughi, Dariush; Mohammadi, Shokoofeh. (2013). Investigating the relationship between tax assets and the value and level of cash holding of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Tax Research Journal*, 20, 92-66. (in Persian)
- Free thinker, Mohammad Ali; Karimi, Zahra; Sadeghi, Kamal; Ranjpour, Reza; Village, Venus. (2017). Investigating the effect of social capital on labor productivity in Iran ", *Applied Economic Studies of Iran*, 17, 129-109. (in Persian)
- Gallemore, J., Maydew, E. L., & Thornock, J. R. (2014). The reputational costs of tax avoidance. *Contemporary Accounting Research*, 31(4), 1103-1133.
- Ghaly, M., Dang, V. A., & Stathopoulos, K. (2015). Institutional investment horizons and labor investment efficiency. In *Manchester Business School Working paper*.
- Haghighat, Hamid; Mohammadi, Mohammad Hassan (2013). Investigating the Relationship between Tax Avoidance and Disclosure Quality and Company Value, *Quantitative Studies in Management*, 228-209. (in Persian)
- Hajiannejad, Amin and Danesh Sararoudi, Rasool. (2019). Investigating the Impact of Agency Cost and Liquidity of Stocks on Tax Avoidance through Profitability, *Accounting Knowledge*, 10, 36, 136-115. (in Persian)
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.

- Hejazi, Rezvan; Kalhernia, Hamid; Dadashi, Iman and Firuznia, Amir. (2018). Investigating the Effect of Stock Price Information Content on Labor Investment Efficiency, Value and Behavioral Accounting, 3(5), 232-209. (in Persian)
- Horngren, C.T., Datar, S.M., Foster, G., Rajan, M., Ittner, C.D., (2012). "Cost Accounting: a Managerial Emphasis". Review of Accounting Studies, 6(1), 110-139.
- Huang, H., Lobo, J., Wang, C., X., H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance, Journal of Banking and Finance, 72, 184-200.
- Huseynov, F and B. Klamm. (2012). Tax Avoidance, Tax Management and Corporate Social Responsibility, Journal of Corporate Finance, 18, 804-827.
- Jahromi, Mahtab. (2011). Corporate Tax Transparency and Tax Avoidance, Master Thesis, Faculty of Management, University of Tehran. (in Persian)
- Joulfaian, D. (2000). Corporate tax evasion and managerial preferences. Rev. Econ. Stat. 82, 698-701.
- Jung, B., Lee, W.J. & Weber, D.P. (2014). Financial reporting quality and labor investment efficiency. Contemporary Accounting Research, 31, 1047-1076.
- Khajavi, Shakraleh and Sarvestani, Amir. (2017). Tax Avoidance and Representation Theory, Management Accounting, 34, 28-15. (in Persian)
- Khajavi, Shokrallah and Kiamehr, Mohammad. (2016). Modeling Tax Avoidance Using Accounting Information, Accounting Knowledge, 25, 79-100. (in Persian)
- Khaoula, F., Moez, D. (2019). The moderating effect of the board of directors on firm value and tax planning: Evidence from European listed firms, Borsa Istanbul Review, Available online at: <http://www.elsevier.com/journals/borsa-istanbul-review/2214-8450>.
- KHURANA, I., MOSER, W., RAMAN, K. (2018). Tax Avoidance, Managerial Ability, and Investment Efficiency, Accounting Foundation, The University of Sydney.
- Kim, J.-B., Li, Y., & Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. Journal of Financial Economics, 100(3), 639-662.
- Lisowsky, P., Robinson, L., & Schmidt, A. (2013). Do publicly disclosed tax reserves tell us about privately disclosed tax shelter activity? Journal of Accounting Research, 51(3), 583-629.
- Mehrani, Sasan and Samiei, Fatemeh. (2019). The effect of conditional conservatism on the efficiency of investment in the labor force, accounting knowledge, 10(37), 156-137. (in Persian)
- Miller, B.P. (2010). The Effects of Reporting Complexity on Small and Large Investor Trading. The Accounting Review: November 2010, 85(6), 2107-2143.
- Mills, L., Erickson, M., & Maydew, E. (1998). Investments in tax planning. Journal of the American Taxation Association, 20(1), 1-20.
- Murphy, K. (2002). Procedural Justice and the Australian Taxation Office: a Study of Scheme Investors. Working Paper, 50, 1-46.
- Pinnuck, M., Lillis, A., (2007). Profits versus losses: does reporting an accounting loss act as a heuristic trigger to exercise the abandonment option and divest employees? Account. Rev, 82, 1031-1053.
- Plato, Abbas and Khazaei, Mehdi. (2016). Investigating the effect of the quality of accruals and the quality of disclosure on investment inefficiency in human resources, Accounting and Auditing Reviews, 2, 288-269. (in Persian)
- Sensitive, Yahya; Behshour, Ishaq and Shukri Kiani, Massoud. (2018). The Relationship between Financial Reporting Transparency and Effective Tax Rates, Financial Accounting and Auditing Research, 38, 1-30. (in Persian)
- Shahbazian, Sima and Ghanbari, Mehrdad. (2017). Study of the relationship between financial reporting quality and labor capital efficiency, 4th National Conference on Management, Economics and Accounting, Tabriz, East Azerbaijan Industrial Management Organization, University of Tabriz. (in Persian)

- Sheibani Tazarji, Abbas; Khodamipour, Ahmad and Pourheidari, Omid. (2018). Investigating the effect of customer focus on tax avoidance by considering the company's market share, *Accounting and Auditing Reviews*, 2, 215-232. (in Persian).
- Taylor, G., Al-Hadi, A., Richardson, G., Alfarhan, U. (2019). Is there a relation between labor investment inefficiency and corporate tax avoidance? *Economic Modelling*, 22(4), 1-17.
- Tribe, Siamak; Arrested, Mohsen; Rezaei, Farzin; Ali Ahmadi, Saeed (2019). The Impact of Cultural and Commercial Factors on Tax Avoidance, *Development Management*, 38, 41-31. (in Persian).